

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل:

علی متقیان

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۲۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری، چاپخانه مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

نقل قول

دوسالانه کاریکاتور تهران جزو پنج جشنواره برتر دنیاست

تعداد کارتون‌نویست ها و کاریکاتوریست های ایران در عرصه بین المللی بسیار زیاد است و ایران از لحاظ شرکت کننده در تمام جشنواره های معتبر جهانی، جایگاه اول تا سوم را دارد. بیشتر جوایز معتبر کاریکاتور جهان به ایرانی ها رسیده است. حتی همین الان نیز هرامه سه یا چهار ایرانی در جشنواره های بین المللی جزو نفرات اول تا سوم هستند. دوسالانه کاریکاتور تهران تا زمانی که به شکل مرتب برگزار می شد، جزو سه جشنواره بزرگ دنیا بود. به همین دلیل برای هر کاریکاتوریستی در دنیا افتخار بود که اثرش به این رویداد راه می یافت و جایزه می گرفت. هشت سال وقفه در برپایی دوسالانه، کمی اعتبار آن را پایین آورده اما باز هم جزو پنج جشنواره برتر دنیاست. زمانی که می گوییم جشنواره ای بین المللی است، یعنی باید تعداد کشورهای شرکت کننده زیاد باشد، همچنین مهم است داوران تا چه اندازه شناخته شده باشند. نام داوران خارجی ما در دوسالانه تهران افسانه ای است. انگار که برای جشنواره ای (سینمایی) جیمز کامرون و استیون آلن اسپیلبرگ را دعوت کنید.

بهرام عظیمی در گفت وگو با ایسنا

فرهاد توحیدی در گفت وگو با «ایران» از چرایی ورود خانه سینما به مسأله آب و مطالبه اصلاح سیاست ها می گوید

«من نگهبان آب هستم»؛

وقتی مسئولیت اجتماعی از شعار عبور می کند



سگاسی از فیلم «دوده» امیر نادری

گفت وگو

نرگس عاشوری

گروه فرهنگی

بحران آب در ایران دیگر مسأله ای مربوط به صرفه جویی خانگی یا توصیه های اخلاقی نیست؛ پرسش اصلی امروز این است که چرا سیاست های کلان مدیریت آب، با وجود اسناد بالادستی و هشدارهای مکرر کارشناسان، همچنان بی پاسخ مانده اند. گفت وگو با فرهاد توحیدی، مشاور فرهنگی خانه سینما، از همین نقطه آغاز می شود؛ از نقد رویکردی که سال ها مسئولیت بحران را متوجه مردم کرده و ریشه های ساختاری آن را از میدان پرشگری دور نگه داشته است. در چنین فضایی، راه اندازی پویش «من نگهبان آب هستم» از سوی خانه سینما، نه یک واکنش احساسی که تعریف دوباره ای از مسئولیت اجتماعی یک نهاد فرهنگی است؛ تلاشی برای بازگرداندن مسأله آب به متن گفت وگو عمومی، جایی که آب به عنوان منبعی ملی و مرتبط با امنیت و آینده کشور دیده می شود. این پویش تلاشی است برای عبور از نگاه صرفاً فردی به مسأله آب و طرح پرسش هایی

درباره سیاست گذاری و مدیریت منابع در سطح کلان؛ از نحوه اجرای اسناد ملی مرتبط با کاهش مصرف آب، به ویژه در بخش کشاورزی تا ضرورت شفافیت در گزارش عملکرد نهاد های مسئول. پرسش هایی که در حوزه هایی مانند سد سازی، انتقال آب، فرسایش خاک و حقا به ها همچنان بی پاسخ مانده اند و به تغییر فرهاد توحیدی، بیش از آنکه فنی باشند، به شیوه حکمرانی منابع حیاتی کشور بازمی گردند.

راه اندازی این پویش بار دیگر یادآور رسالت فرهنگ و هنرمندان است؛ هنرمندی که نه سخنگوی قدرت است و نه وجدان معلق، بلکه بخشی از مطالبه ای جمعی برای پاسخگویی درباره منافع ملی است. همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما، در یک نشست خبری از گسترده شدن این پویش در تمام حوزه های هنری فراتر از سینما خبر داده و این رویکرد را نه یک حرکت نمادین، بلکه بخشی از تعریف مسئولیت اجتماعی یک نهاد فرهنگی عنوان کرده است؛ مسئولیتی که هنر را به زیست واقعی مردم و آینده سرزمین گره می زند. این پویش اگرچه با نام «آب» آغاز شده، اما مسأله اش بسیار گسترده تر است؛ وقتی منابع ملی در خطرند، سکوت به انتخابی بی طرفانه تبدیل نمی شود. «من نگهبان آب هستم» تلاشی است برای بازگرداندن پرسش، مشارکت و مسئولیت به جایی که باید باشد؛ در دل جامعه و کنار مردم و رویه روی سیاست ها.

چرا خانه سینما به عنوان نهادی صنفی و هنری وارد حوزه مسائل زیست محیطی شده است؟ به نظر شما چه ارتباطی بین سینما و بحران آب و محیط زیست وجود دارد که سینماگران باید به آن حساس باشند؟

اگر نقطه عزیمت را وظایفی بدانیم که اساسنامه به دوش خانه سینما گذاشته است، هنرمندی که نه سخنگوی قدرت است و نه وجدان معلق، بلکه بخشی از مطالبه ای جمعی برای پاسخگویی درباره منافع ملی است. همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما، در یک نشست خبری از گسترده شدن این پویش در تمام حوزه های هنری فراتر از سینما خبر داده و این رویکرد را نه یک حرکت نمادین، بلکه بخشی از تعریف مسئولیت اجتماعی یک نهاد فرهنگی عنوان کرده است؛ مسئولیتی که هنر را به زیست واقعی مردم و آینده سرزمین گره می زند. این پویش اگرچه با نام «آب» آغاز شده، اما مسأله اش بسیار گسترده تر است؛ وقتی منابع ملی در خطرند، سکوت به انتخابی بی طرفانه تبدیل نمی شود. «من نگهبان آب هستم» تلاشی است برای بازگرداندن پرسش، مشارکت و مسئولیت به جایی که باید باشد؛ در دل جامعه و کنار مردم و رویه روی سیاست ها.



سینماگران

در سراسر

دنیا، نسبت به

امور اجتماعی

واکنش نشان

می دهند و

مشارکت جویی

می کنند.

گواه زنده این

موضوع تعداد

سینماگرانی

است که

با پذیرش

مأموریت در

موضوعاتی

همچون

محیط زیست،

تغییرات

اقلیمی، امور

پناهندگان،

امور کودکان

و... از سوی

سازمان های

جهانی

کنشگری

می کنند

همان طور که پیش از این عنوان کرده اید پویش «من نگهبان آب هستم» فقط معطوف به «مصرف خانگی آب» نیست و قصد دارد «بیکسری سیاست گذاری آب» را، آگاهی عمومی نسبت به



برش



پیامبر اکرم (ص):

بترین کارهای امت من، انتظار فرج از خداوند عزوجل است.

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲، ح ۲



آغاز تور ملی کنسرت های

فرج علیپور

فرج علیپور از نوازندگان پیشکسوت موسیقی نواحی لرستان طی روزهای پیش رو مجموعه کنسرت هایی را در تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار می کند.

تورکنسرت های تهران و شهرهای ایران فرج علیپور نوازنده و خواننده پیشکسوت موسیقی لرستان از چند روز دیگر در تهران آغاز و پس از آن در دو شهر دیگر کشورمان پیش روی مخاطبان قرار خواهد گرفت. این کنسرت همچنین روز بیست و پنجم دی در فرهنگسرای بهمن تهران به اجرای برنامه می پردازد. / **مهر**



آغاز فصل جدید کاری وحید تاج

با انتشار یک قطعه

وحید تاج، خواننده موسیقی ایرانی فصل جدید کار خود را با انتشار قطعه چهره پاییزو تقدیم آن به یک انجمن مدرسه ساز آغاز کرد. او در متن کوتاهی در این باره نوشت: «اخیرا با انجمنی از نازنینان وتلاشگران هم سرزمین به نام «انجمن حامی» آشنا شدم؛ این عزیزان، با ساخت مدرسه و کتابخانه و با حمایت از دانش آموزان مناطق کم برخوردار، به صورتی کاملاً مستقل وبامشارکت دوستانی از جنس شما، مانع از ترک تحصیل فرزندان ایران می شوند. این اثر را به این انجمن شریف تقدیم می کنم.» / **ایران**



برهم کنش طبیعت و جامعه» و «نقد مدیریت منابع آب» را نیز در دستور کار داشته باشد. در شرایطی که برخی از بحران ها ساختاری اند (مدیریت آب، سیاست گذاری، تغییر اقلیم)، آیا معتقدید «صداهای فرهنگی-هنری» می توانند فضای اجتماعی لازم را ایجاد کنند تا سازمان های مسئول به تغییر اقدام کنند؟

امیدواریم که صدای هنرمندان و سینماگران به عنوان یکی از گروه های مرجع گوش های شنوایی پیدا کند. سال هاست دولتمردان عادت کرده اند تاوان ناکارآمدی را به دوش مردم بگذارند. این رویکرد یا نشانه رفتن همیشگی انگشت اتهام به سوی مردم به خاطر مصرف زیاد انرژی، آب و... و

در کنار اختلاس های کلانی که ثروت ملی را به تاراج می برد و با تعقیب و مجازات درخور همراه نشده، اعتماد ملی را خدشه دار می کند و حس تعلق را می کشد. ناگفته پیداست وقتی حس تعلق کم رنگ شود، ممکن است در قالب های دیگر مانند بدمصری، بدل به انتقام اجتماعی شود. گوش های شنوار باید در هر دوسو جست، همان طور که در تحلیل بحران باید با انصاف سهم هر سوی معادله را به شکل واقعی محاسبه کرد. در غیر این صورت آنچه در چرخه باطل پیدا کردن مقصر کم خواهد شد، یافتن راه حل های مؤثر است.

بسیاری از سینماگران با سابقه چه در مستند، فیلم کوتاه یا سینمای داستانی پیش تر نسبت به مسائل محیط زیستی حساس بوده اند. سینماگران یا تهیه کنندگان مطرح (مانند رخشان بنی اعتماد و مجتبی میرطهماسب با مستند هایی مثل «کارستان»، یا چهره هایی مثل مرضیه برومند و رضا کیانیان) وجود دارند که در گذشته یا حال درباره محیط زیست یا مسئولیت اجتماعی فعال بوده اند. آیا خانه سینما قصد دارد با این افراد همکاری کند یا از آنها به مثابه «نگهبانان فرهنگی زیستی» دعوت به عمل آورد؟ آیا فکرمی کنید این «احساس خطر» یا «برای ایران» باعث می شود این چهره های مؤثر را بار دیگر در کنار هم وارد میدان کنند؟

آیا خانه سینما برنامه دارد علاوه بر پویش، از این چهره ها برای تولید آثار زیست محیطی (مستند، فیلم کوتاه یا سینمایی) دعوت کند؟ آیا این همکاری می تواند باعث تمرکز بر بحران های واقعی و اطلاع رسانی گسترده شود؟

پویش، برنامه های گوناگونی دارد که به تدریج از آنها رونمایی خواهد شد. امیدواریم پویش به خودی خود موجب توجه بیشتر به مسائل محیط زیستی و در رأس همه مشکل

در فضای مجازی، بازتاب مستند شکل متفاوتی داشت. همزمان با پخش و بازنشر بخش هایی از «ترانه»، برخی از هنرمندان با انتشار استوری هایی، حمایت خود را از ترانه علیدوستی اعلام کردند.

این روایت، واکنش های تند به مستند «ترانه» به عنوان نمونه ای از تقابل گفتگمانی در فضای رسانه ای ایران تحلیل شده و تلاش شده نشان دهد که چگونه یک اثر مستند می تواند به محل بروز اختلافات عمیق سیاسی و فرهنگی تبدیل شود. در فضای مجازی، بازتاب مستند شکل متفاوتی داشت. همزمان با پخش و بازنشر بخش هایی از «ترانه»، برخی از هنرمندان با انتشار استوری هایی، حمایت خود را از ترانه علیدوستی اعلام کردند.

در مقابل این مواضع، پایگاه خبری جماران رویکردی توصیفی تر در پیش گرفت و تمرکز خود را بر معرفی مستند، موضوع آن و واکنش های شکل گرفته پیرامون پخش آن گذاشت. در این روایت، «ترانه» به عنوان اثری رسانه ای درباره زندگی و تجربه های یک بازیگر ایرانی معرفی شد، بدون ورود مستقیم به داورهای سیاسی صریح.

برآیند این بازتاب ها نشان می دهد «ترانه» فراتر از یک اثر مستند، به متنی رسانه ای بدل شده که اختلاف نگاه ها را به وضوح منعکس می کند.